

مطالعه شیمی کانی‌ها و دما- فشارسنجی سنگ‌های کیانیت‌دار در مجموعه دگرگونی منطقه همدان

فریبا کردی، علی اصغر سپاهی*، لیلی ایزدی کیان

گروه زمین‌شناسی، دانشکده علوم، دانشگاه بوعلی سینا
(دریافت مقاله: ۹۵/۱۱/۱۲، نسخه نهایی: ۹۶/۲/۳۰)

چکیده: منطقه مورد بررسی در استان همدان و در همسایگی ژرف توده الوند در پهنه سنندج- سیرجان قرار دارد. در همسایگی این توده انواع سنگ‌های دگرگونی مجاورتی و ناحیه‌ای از درجه پائین تا بالا وجود دارد که شامل انواع شیست‌ها، هورنفلس‌ها و میگماتیت-هاست. گرچه سنگ‌های کیانیت‌دار از نظر وسعت، مجموعه سنگی عمده‌ای را تشکیل نمی‌دهند اما به صورت‌های گوناگون (هورنفلس، میگماتیت، رگه‌های کوارتز-کیانیت) برونزد دارند. کیانیت در این سنگ‌ها همراه با کانی‌های دیگر دگرگونی از جمله آندالوزیت، سیلیمانیت، استارولیت و گاهی کردیریت به همراه زمینه‌ای از بیوتیت، مسکویت، کوارتز و گاهی پلاژیوکلاز یافت می‌شود. کیانیت‌های منطقه همدان را می‌توان از نظر چگونگی تشکیل به سه دسته اصلی تقسیم کرد: ۱- کیانیت‌های موجود در متن سنگ، ۲- کیانیت‌های رشد یافته در قالب پورفایروبلست‌های آندالوزیت و ۳- کیانیت‌های تبلور یافته در رگه‌های آلومینوسیلیکات‌دار. از آنجاکه رشد همزمان سه‌تایی یا دوتایی آلومینوسیلیکات‌ها در مقاطع نازک دیده نمی‌شود، می‌توان گفت که آلومینوسیلیکات‌ها در وقایع دگرگونی مختلف و در چند نوبت شکل گرفته‌اند. دگرگونی ناحیه‌ای منطقه بیشتر به نوع بوچان شباهت دارد، اما اضافه شدن کیانیت به مجموعه کانی-شناسی سنگ‌ها در بعضی نقاط، مجموعه دگرگونی را متمایل به نوع باروین کرده است. ترکیب گارنت‌های موجود در سنگ‌های مورد بررسی بیشتر در قطب آلماندن-اسپسارتین، ترکیب بیوتیت‌ها در محدوده‌ی سیدروفیلیت و ترکیب پلاژیوکلاز از نوع آندزین است و استارولیت‌های منطقه دارای ترکیبی غنی از آهن هستند. بر اساس دماسنجی با استفاده از تک کانی بیوتیت، بیوتیت‌های موجود در مزوسوم میگماتیت‌ها و هورنفلس‌های کیانیت‌دار دره سیمین به ترتیب میانگین دمایی در حدود ۶۳۳ و ۵۸۷ درجه سانتی‌گراد و بیوتیت‌های موجود در هورنفلس‌های کیانیت‌دار مریانج، دمای ۴۸۳ درجه سانتی‌گراد را نشان می‌دهند. بر اساس دماسنجی به روش تبادل کاتیونی زوج کانی گارنت-بیوتیت، میانگین دمای هورنفلس‌های کیانیت‌دار منطقه مریانج در حدود ۵۲۴ درجه سانتی‌گراد و میانگین دمای میگماتیت‌ها و هورنفلس‌های کیانیت‌دار دره سیمین به ترتیب در حدود ۶۱۸ و ۵۸۰ درجه سانتی‌گراد محاسبه شد. در فشارسنجی با استفاده از سامانه‌های GPBQ و GASP فشار میگماتیت‌های کیانیت‌دار به ترتیب در حدود ۳/۸ و ۴/۱ کیلو بار برآورد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: همدان؛ دما- فشارسنجی؛ شیمی کانی؛ میگماتیت؛ هورنفلس؛ کیانیت.

مقدمه

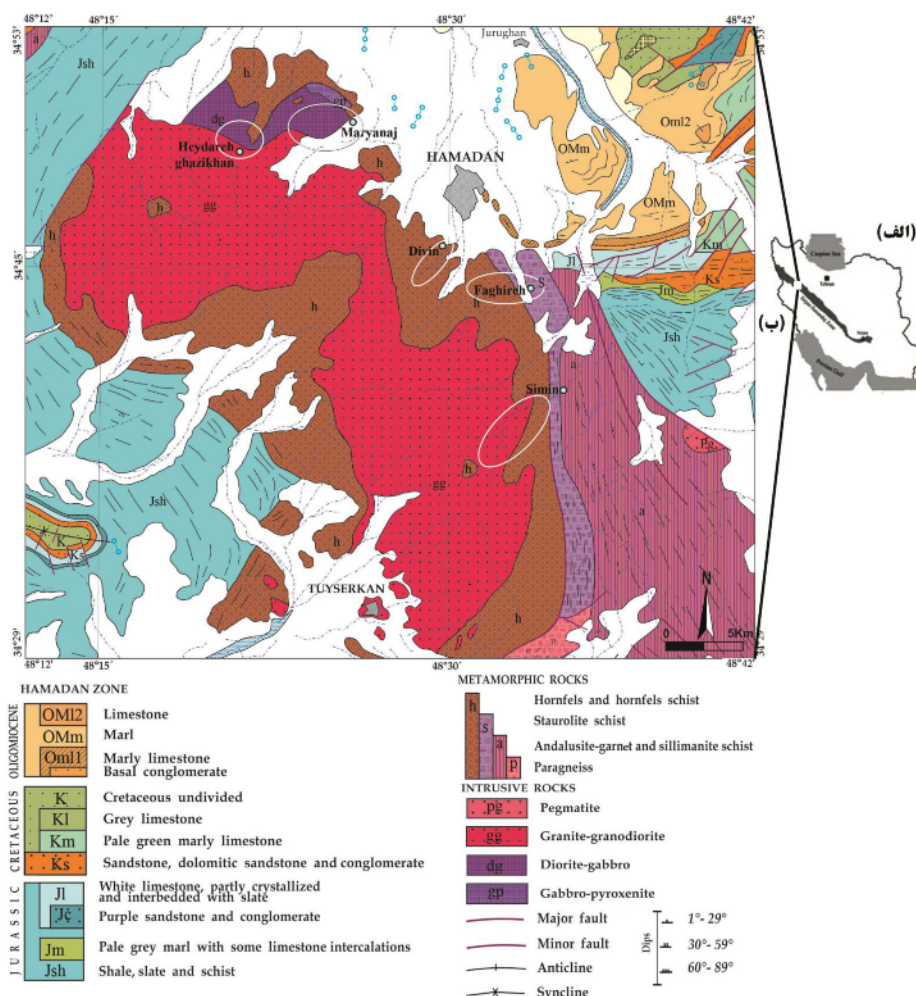
ساختی پوسته در هنگام دگرگونی است. محاسبات دما-فشارسنجی بیشتر بر اساس شرایط تعادلی و روابط ترمودینامیکی روی کانی‌های مورد نظر انجام می‌گیرد [۱].

یکی از اهداف مهم بررسی‌های دگرگونی برآورد دما و فشار تشکیل سنگ‌های دگرگونی، به منظور شناسایی شرایط زمین

موقعیت جغرافیایی و زمین شناسی

منطقه مورد بررسی در عرض جغرافیایی $34^{\circ} 29'$ و $34^{\circ} 53'$ شمالی و طول‌های جغرافیایی $48^{\circ} 12'$ و $48^{\circ} 42'$ شرقی قرار دارد. مناطق دیوین، مریانج، فقیره، سیمین و حیدره قاضی خان از مناطق نزدیک به برونزدهای مورد بررسی هستند. از نظر زمین‌شناسی، منطقه همدان در پهنه ساندج-سیرجان واقع است که با روند شمال غربی- جنوب شرقی در حد فاصل پهنه-های ایران مرکزی و زاگرس قرار دارد (شکل ۱ الف). توده گرانیتوئیدی الوند در این منطقه جای دارد. پهنه ساندج-سیرجان از سمت جنوب غرب به شمال شرق به زیر پهنه‌های زیر تقسیم‌بندی شده است: ۱- پهنه رادیولاریتی، ۲- پهنه بیستون، ۳- پهنه افیولیتی، ۴- پهنه حاشیه‌ای و ۵- پهنه با دگرشکلی پیچیده [۱۱]. در این تقسیم‌بندی منطقه همدان در پهنه با دگرشکلی پیچیده قرار می‌گیرد.

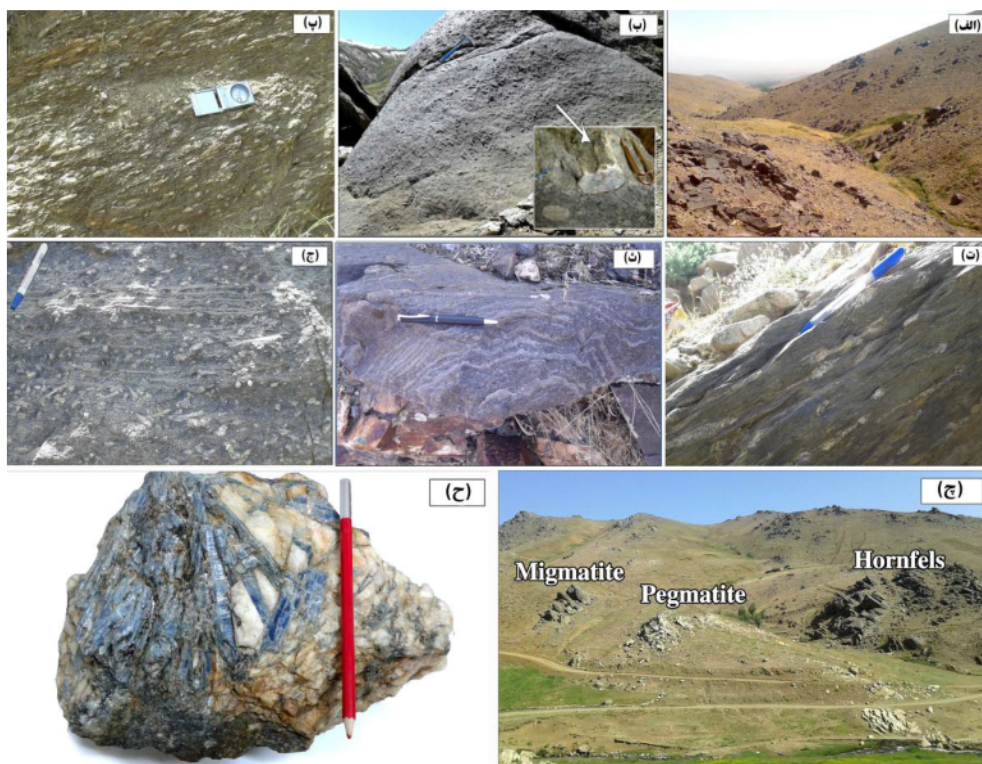
بیشتر دماسنج‌ها واکنش‌های تبادل آهن و منیزیم، بین کانی‌های در حال تعادل با یکدیگر است [۲]. با استفاده از ترکیب کانی‌های گارنت، پلاژیوکلاز، بیوتیت، موسکویت و کوارتز در سنگ‌های دگرگونی می‌توان فشارسنجی و دماسنجی انجام داد [۵-۱]. در منطقه همدان، مهم‌ترین انواع سنگ‌های دگرگونی ناحیه‌ای اسلیت، فیلیت، انواع شیست‌ها، آمفیبولیت و میگماتیت‌ها هستند. سنگ‌های دگرگونی مجاورتی شامل انواع شیست‌های لکه‌دار و هورنفلس‌ها هستند. تاکنون بررسی‌های بسیاری بر سنگ‌های دگرگونی منطقه صورت گرفته است [۶-۱۰]، در بررسی‌های پیشین دما- فشارسنجی سنگ‌های کیانیت‌دار به طور ویژه کمتر مورد توجه قرار گرفته است، لذا در این پژوهش هدف آن است که با استفاده از شیمی کانی‌ها و دما- فشارسنجی سنگ‌های کیانیت‌دار، تاریخچه دگرگونی آنها مورد بررسی قرار گیرد.



شکل ۱ الف) موقعیت منطقه مورد بررسی در پهنه ساندج-سیرجان، ب) نقشه زمین‌شناسی ۱:۲۵۰۰۰ ژرف توده الوند و واحدهای دگرگونی پیرامون آن بیضی‌های روی شکل مناطق نمونه‌برداری را نشان می‌دهند.

چگونگی تشکیل به سه دسته تقسیم کرد: ۱- کیانیت‌های موجود در متن سنگ، که در هورنفلس‌های مناطق دیوین، مربانج و حیدره قاضی خان دیده می‌شوند (شکل ۲ الف). در این سنگ‌ها کیانیت فقط در مقیاس میکروسکوپی قابل تشخیص است. ۲- دسته دوم: کیانیت‌های رشد یافته در قالب پورفیروبلست‌های آندالوزیت که در میگماتیت‌های منطقه سیمین دیده می‌شوند (شکل ۲ ب)، این فرآیند (تبدیل آندالوزیت به کیانیت) را فقط در پهنه‌های برشی این منطقه می‌توان مشاهده کرد (شکل‌های ۲ پ و ت)، میگماتیت‌های این منطقه دارای بخش‌های ملانوسوم و لوکوسوم و قابل تفکیک هستند (شکل‌های ۲ ث و ج). در این منطقه، هورنفلس‌ها، پگماتیت‌ها و میگماتیت‌ها را می‌توان در کنار هم مشاهده کرد (شکل ۲ ج). تشکیل کیانیت در پورفیروبلست‌های آندالوزیت می‌تواند در اثر تنش موجود در پهنه‌های برشی باشد، چرا که در خارج از پهنه‌های برشی این تغییرات در پورفیروبلست‌های آندالوزیت دیده نمی‌شود. ۳- کیانیت‌های تبلور یافته در رگه-های آلومینوسیلیکات‌دار که در منطقه فقیره- چشین دیده می‌شود (شکل ۲ ح).

سنگ میزبان توده الوند، ابتدا در اثر گرما و فشار ناحیه‌ای دچار دگرگونی دینامیکی - گرمایی و سپس در مرحله بعدی دستخوش دگرگونی مجاورتی شده است [۷]. توده‌های عامل این دگرگونی‌ها شامل انواع مختلف بازی تا اسیدی است. در شرق الوند گستره وسیعی از سنگ‌های دارای سیلیکات آلومینیوم دیده می‌شود. ولی در غرب الوند دگرگونی مجاورتی بسیار ساده است و سیلیکات‌های آلومینیوم تنها در نزدیکی توده ظاهر شده‌اند. سنگ‌های دگرگونی مجاورتی در حاشیه شرقی مجموعه ژرف توده‌ای الوند، شیبست‌های لکه‌دار و هورنفلس‌ها هستند، که در اثر گرمای توده و سیالات ناشی از آن دچار دگرگونی مجاورتی شده‌اند. دگرگونی ناحیه‌ای منطقه همدان از نوع فشار کم بوده اما با اضافه شدن کیانیت به مجموعه کانی‌شناسی سنگ‌ها در بعضی نقاط، مجموعه دگرگونی را به سوی باروین متمایل ساخته است. در این پژوهش بیشتر بررسی سنگ‌های دگرگونی حاشیه شرقی و شمال شرقی ژرف توده الوند که شامل هورنفلس‌ها و میگماتیت-هاست (شکل ۱ ب)، مد نظر است. سنگ‌های کیانیت‌دار منطقه همدان را می‌توان از نظر



شکل ۲ الف) هورنفلس‌های منطقه دیوین، ب) کیانیت در قالب پورفیروبلست‌های آندالوزیت منطقه سیمین، پ و ت) تبدیل آندالوزیت به کیانیت در میگماتیت‌های پهنه‌های برشی منطقه سیمین، ث و ج) نمونه‌هایی از بافت چین‌خورده همراه با بخش‌های ملانوسوم و لوکوسوم در میگماتیت‌های منطقه سیمین، ج) نمایی از همبری هورنفلس‌ها، پگماتیت‌ها و میگماتیت‌ها در منطقه سیمین، ح) رگه کوارتز- کیانیت موجود در هورنفلس‌های منطقه فقیره.

های کیانیت دار مورد توجه هستند. سنگ نگاری انواع هورنفلس ها و میگماتیت های موجود در منطقه به شرح زیر است:

آندالوزیت هورنفلس: این سنگ ها در مناطق مریانج و دیوین و سیمین یافت می شوند که از نظر بافتی و نیز ویژگی های ماکروسکوپیکی بسیار شبیه به هم هستند. مجموعه کانی های هورنفلس های آندالوزیت دار شامل بیوتیت، کوارتز، آندالوزیت، فیبرولیت (سیلیمانیت)، گارنت و مقادیر کمی مسکویت است.

گارنت - آندالوزیت هورنفلس: این سنگ ها در مناطق مریانج و دیوین دیده می شوند، رنگ آنها خاکستری تیره و بافت میکروسکوپیکی آن پورفایرولاستی است. کانی های اصلی سنگ شامل کوارتز، بیوتیت، آندالوزیت صلیبی (کیاستولیت) و گارنت همراه با کانی فرعی مسکویت هستند (شکل ۳ الف).

گارنت - فیبرولیت (سیلیمانیت) هورنفلس: رنگ این سنگ خاکستری تیره و بافت آن پورفایر ریزدانه ای است، این سنگ از کانی های اصلی بیوتیت، فیبرولیت، گارنت و کوارتز تشکیل شده است و مسکویت به همراه کانی های کدر کانی های فرعی سنگ را تشکیل می دهند و گارنت به صورت بلورهای بی شکل دیده می شود (شکل ۳ ب).

گارنت - فیبرولیت - کردیریت هورنفلس: رنگ سنگ خاکستری تیره و بافت آن پورفایر ریزدانه ای است، از کانی های اصلی بیوتیت، کردیریت، فیبرولیت، گارنت، کوارتز و آندالوزیت تشکیل شده است و مسکویت به همراه کانی های کدر کانی های فرعی سنگ را تشکیل می دهند. آندالوزیت و گارنت به صورت بی شکل هستند و کردیریت ها به خوبی رشد نکرده اند (شکل ۳ پ).

سیلیمانیت - استارولیت - کیانیت هورنفلس: این هورنفلس ها در مناطق جنوب مریانج، فقیره و سیمین دیده می شوند. این هورنفلس ها در نمونه دستی به رنگ خاکستری تیره هستند و کیانیت فقط در مقیاس میکروسکوپیکی قابل تشخیص است. بافت سنگ ریزدانه ای است (شکل ۳ ت) و کانی های اصلی سنگ شامل کیانیت، بیوتیت، کوارتز، استارولیت، آندالوزیت، مسکویت، گارنت و فیبرولیت سیلیمانیت هستند. در واقع کیانیت در این سنگ ها به صورت نیمه پایدار تشکیل شده است و در تعادل کامل با سایر فازهای آلومینوسیلیکات نیست.

کردیریت کیانیت هورنفلس: از جمله مناطقی که می توان کردیریت کیانیت هورنفلس ها را مشاهده کرد منطقه دیوین

در منطقه همدان رگه های مختلفی وجود دارد که در حالت کلی در بخش های دارای درجه دگرگونی متوسط و بالا، یعنی شیست ها، پراکندگی بیشتری دارند. گروه دیگری از رگه ها، رگه های کوارتزی هستند که دارای انواع سیلیکات های آلومینیم هستند، انواع مختلفی از این رگه ها در منطقه وجود دارد، که بیشتر آن ها آندالوزیت دار هستند. هرچند فقط در مناطق محدودی کیانیت بیشترین یا حتی گاهی تنها نوع آلومینوسیلیکات موجود در رگه ها را تشکیل می دهد. در حقیقت بین سنگ های کیانیت دار منطقه و حضور رگه های کوارتز - کیانیت، یک رابطه پیدایشی وجود دارد به طوری که هورنفلس های کیانیت دار تنها در اطراف رگه ها مشاهده می شوند و در اطراف این رگه ها در سنگ میزبان نیز مقداری آلومینوسیلیکات از همان نوع موجود در رگه دیده می شود [۱۲]. به طور کلی در تشکیل کیانیت در متن سنگ، درون پورفایرولاست های آندالوزیت و در رگه های منطقه همدان فرآیندهای زمین ساختی حاکم در منطقه نیز می توانند مؤثر باشند، به طوری که در نواحی ای که ترکیب شیمیایی سنگ مناسب برای تبلور کیانیت بوده است (مانند پورفایرولاست های آندالوزیت که تبدیل به کیانیت شده اند) فرآیندهای زمین ساختی با افزایش فشار (تنش) موجب تشکیل کیانیت شده اند و نیز سیالات دارای ترکیب شیمیایی مناسب تشکیل کیانیت، در پهنه های برشی منطقه رسوخ نموده و در اثر فشار حاکم در منطقه رگه های کیانیت دار را تشکیل داده اند [۱۲].

روش انجام پژوهش

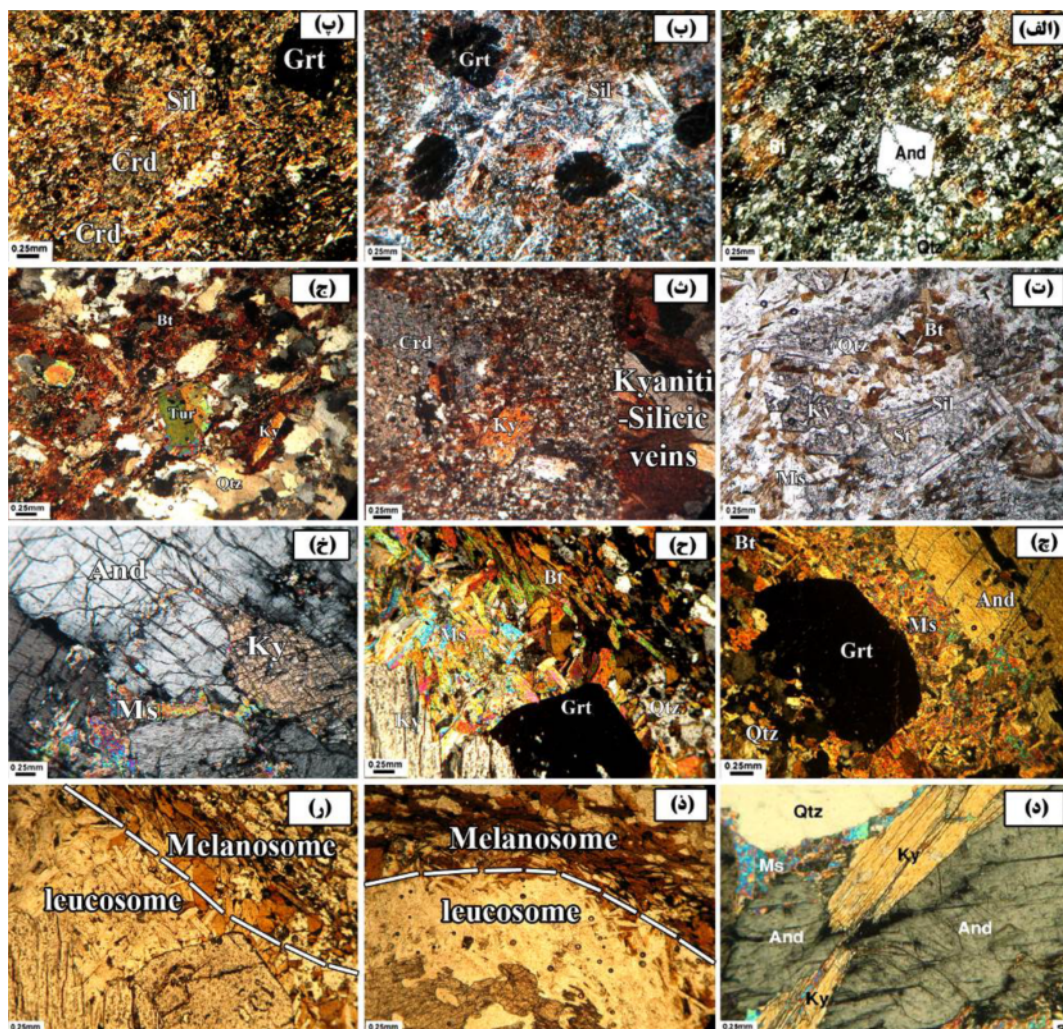
برای انجام این پژوهش طی عملیات صحرایی، حدود ۲۵۰ نمونه دستی برداشت و از این نمونه ها، تعداد ۵۰ نمونه مقطع نازک برای بررسی های میکروسکوپیکی تهیه شد. تجزیه نقطه - ای بر روی ۵ مقطع نازک از انواع مختلف میگماتیت، هورنفلس و پگماتیت صورت گرفت که طی آن کانی های بیوتیت (۶ نقطه)، گارنت (۱۸ نقطه)، پلاژیوکلاز (۳ نقطه) و استارولیت (۳ نقطه) مورد بررسی قرار گرفتند. این تجزیه ها، توسط شرکت فرآوری مواد معدنی کرج با دستگاه تجزیه نقطه ای مدل SX100 ساخت شرکت Cameca فرانسه، در شرایط ولتاژ ۱۵ kV، فشار 10^{-7} torr و جریان ۲۰ A انجام شد.

سنگ نگاری

سنگ های مورد بررسی در این پژوهش بیشتر شامل مجموعه ای از هورنفلس ها و میگماتیت هاست البته در اینجا بیشتر سنگ -

سنگ‌نگاری انواع میگماتیت‌های منطقه به شرح زیر است:
سیلیمانیت- آندالوزیت- استارولیت- گارنت میگماتیت:
 میگماتیت‌ها را می‌توان در منطقه سیمین مشاهده کرد، بافت این سنگ در مقیاس میکروسکوپی پورفیروی ریزدانه‌ای است (شکل ۳ چ). بخش‌های ملانوسوم و لوکوسوم در این سنگ‌ها متمایزند. کانی‌های اصلی تشکیل دهنده سنگ عبارتند از کوارتز، بیوتیت، آندالوزیت، گارنت، استارولیت، سیلیمانیت، ارتوکلاز، میکروکلین، پلاژیوکلاز و مسکویت. گارنت بی شکل و آندالوزیت‌ها به صورت پورفایروبلست‌های درشت و نیمه شکل-دار دیده می‌شوند.

است این سنگ‌ها بافت ریزدانه‌ای دارند و دارای کانی‌های اصلی کردیریت، بیوتیت، کوارتز، کیانیت و مسکویت و کانی فرعی تورمالین و کانی‌های کدر هستند. حضور کیانیت در این سنگ-ها مربوط به دگرگونی ناحیه‌ای پیشین است و کردیریت در دگرگونی مجاورتی بعدی تشکیل شده است (شکل ۳ ث).
کیانیت هورنفلس: این سنگ‌ها گسترش محدود داشته و یکی از ویژگی‌های مهم این سنگ‌ها ارتباط تنگاتنگ آن‌ها با رگه-های کوارتز-کیانیت‌داری است که آن‌ها را قطع کرده‌اند (شکل ۳ ج). این سنگ‌ها بافت ریزدانه‌ای دارند و دارای کانی-های اصلی بیوتیت، کوارتز، کیانیت و مسکویت، کانی فرعی تورمالین و کانی‌های کدر هستند.



شکل ۳ تصاویر میکروسکوپیکی از (الف) گارنت- آندالوزیت هورنفلس در منطقه دیوبن، (ب) گارنت- فیبرولیت هورنفلس در منطقه مریانج، (پ) گارنت- فیبرولیت- کردیریت هورنفلس در منطقه مریانج، (ت) سیلیمانیت- استارولیت- کیانیت هورنفلس در منطقه مریانج، (ث) کردیریت کیانیت هورنفلس در منطقه دیوبن، (ج) کیانیت هورنفلس در منطقه فقیره، (چ) سیلیمانیت- آندالوزیت- استارولیت- گارنت میگماتیت در منطقه سیمین و (ح) سیلیمانیت- آندالوزیت- کیانیت- استارولیت میگماتیت در منطقه سیمین. (خ، د، ز، ر) تصاویر (ت، د و ر) در نور PPL و سایر تصاویر در نور XPL گرفته شده‌اند و علائم اختصاری برگرفته از مرجع [۱۳] هستند.

کانی کدر هستند. پورفایروبلاست‌های آندالوزیت به صورت بلورهای طویل در نمونه‌دستی به خوبی قابل مشاهده‌اند. در این سنگ‌ها نیز بخش‌های لوکوسوم و ملانوسوم قابل تمایزند (شکل‌های ۳ د، ر).

شیمی کانی‌ها

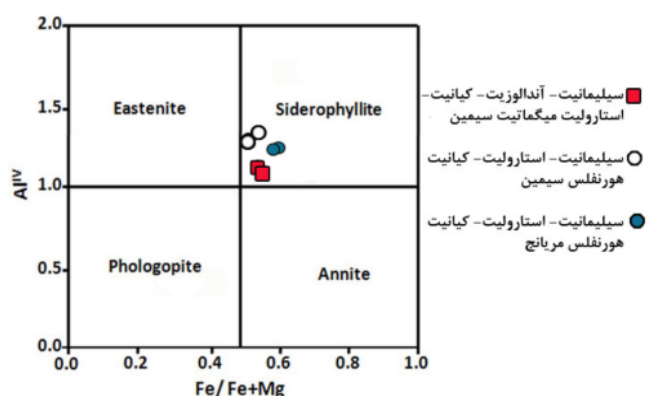
بیوتیت: به منظور بررسی ترکیب شیمیایی بیوتیت موجود در سنگ‌های مورد بررسی، تعداد ۶ نقطه، تجزیه شد (جدول ۱). بر پایه تجزیه‌های نقطه‌ای انجام شده بر بیوتیت‌های منطقه و با توجه به نمودار ترکیب بیوتیت‌ها، همه بیوتیت‌های منطقه در ناحیه سیدروفیلیت قرار دارد (شکل ۴). مقدار کاتیون Ti در بیوتیت‌های تجزیه شده در گستره ۰/۱۳ تا ۰/۲۸ است. در همه بیوتیت‌های مورد بررسی از مرکز به حاشیه بر مقدار Ti افزوده می‌شود که این امر نشان دهنده افزایش دما طی تبلور بیوتیت است [۱۴].

سیلیمانیت- آندالوزیت- کیانیت- استارولیت میگماتیت: این سنگ‌ها در نمونه دستی خاکستری و دارای ساخت پورفایروبلاستی هستند. بافت سنگ لپیدوپورفایروبلاستی و زمینه سنگ متشکل از کانی‌های کوارتز، بیوتیت، مسکویت بی-شکل، پلاژیوکلاز و کانی کدر است. پورفایروبلاست‌ها ۳۰ درصد سنگ را تشکیل داده‌اند که شامل کیانیت، استارولیت و آندالوزیت هستند. کیانیت در متن سنگ وجود ندارد و به همراه استارولیت در قالب پورفایروبلاست‌های آندالوزیت رشد کرده است. در این سنگ‌ها فرایند تبدیل آندالوزیت به کیانیت به وضوح دیده می‌شود (شکل‌های ۳ ح و د).

گارنت- آندالوزیت- کردیریت میگماتیت: رنگ این سنگ در نمونه دستی خاکستری روشن و بافت آن پورفایروبلاستی است. کانی‌های اصلی تشکیل‌دهنده سنگ عبارتند از: کردیریت، کوارتز، آندالوزیت، بیوتیت، گارنت، میکروکلین، ارتوکلاز، پلاژیوکلاز و اسپینل و کانی‌های فرعی آن کلریت، مسکویت و

جدول ۱ نتایج تجزیه نقطه‌ای بیوتیت‌های منطقه و محاسبه مقدار کاتیون‌ها بر اساس ۲۲ اکسیژن.

نمونه	سیلیمانیت- آندالوزیت- کیانیت- استارولیت میگماتیت منطقه سیمین		سیلیمانیت- استارولیت- کیانیت هورنفلس منطقه سیمین		سیلیمانیت- استارولیت- کیانیت هورنفلس منطقه مریانج		نقاط آنالیز	نمونه	سیلیمانیت- استارولیت- کیانیت- استارولیت میگماتیت منطقه سیمین		سیلیمانیت- استارولیت- کیانیت هورنفلس منطقه سیمین		نقاط آنالیز	نمونه
	۱	۲	۱	۲	۱	۲			۱	۲	۱	۲		
SiO ₂	۳۵/۷۹	۳۵/۷۵	۳۵/۹۰	۳۶/۲۴	۳۴/۹۶	۳۴/۵۵	۱	Si	۵/۵۰	۵/۵۰	۵/۴۲	۵/۴۲	۵/۳۰	۵/۳۵
TiO ₂	۲/۴۵	۲/۴۷	۱/۷۴	۱/۳۷	۱/۱۵	۱/۱۶	۲	Ti	۰/۲۸	۰/۳۰	۰/۲۰	۰/۱۹	۰/۱۳	۰/۱۴
Al ₂ O ₃	۱۸/۹۴	۱۸/۹۶	۱۹/۵۵	۱۹/۷۵	۱۹/۹۰	۱۸/۹۹	۳	Al(iv)	۲/۵۰	۲/۵۰	۲/۵۸	۲/۵۸	۲/۷۰	۲/۱۵
FeO	۱۹/۴۹	۱۹/۴۷	۱۷/۸۳	۱۷/۸۵	۱۹/۸۲	۱۹/۸۴	۴	Al(vi)	۰/۹۳	۰/۹۰	۰/۸۹	۰/۹۰	۰/۸۶	۰/۸۲
MnO	۰/۲۲	۰/۲۱	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۵۱	۰/۰۷	۵	Fe	۲/۵۱	۲/۵۰	۲/۲۵	۲/۲۳	۲/۵۱	۲/۵۷
MgO	۷/۲۵	۷/۲۹	۹/۸۲	۹/۸۲	۹/۸۴	۹/۳۷	۶	Mn	۰/۰۳	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۷	۰/۰۱
CaO	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۱۶	۰/۰۳	۷	Mg	۱/۶۶	۱/۷	۲/۲۱	۲/۱۹	۲/۲۲	۲/۱۶
Na ₂ O	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۳۷	۰/۴۰	۰/۳۹	۰/۳۷	۸	Ca	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۳	۰/۰۰
K ₂ O	۱۰/۹۷	۱۰/۹۵	۱۰/۷۴	۱۰/۹۳	۹/۵۳	۱۰/۴۵	۹	Na	۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۱۱	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۱۱
Total	۹۵/۱۸	۹۷	۹۶	۹۶/۷۸	۹۶/۲۶	۹۶/۸۳	۱۰	Totals	۱۵/۵۸	۱۵/۵۹	۱۵/۷۳	۱۵/۷۴	۱۵/۷۷	۱۵/۸۷
							۱۱	Mg / (Fe + Mg)	۰/۴۰	۰/۴۰	۰/۵۰	۰/۵۰	۰/۴۵	۰/۴۶



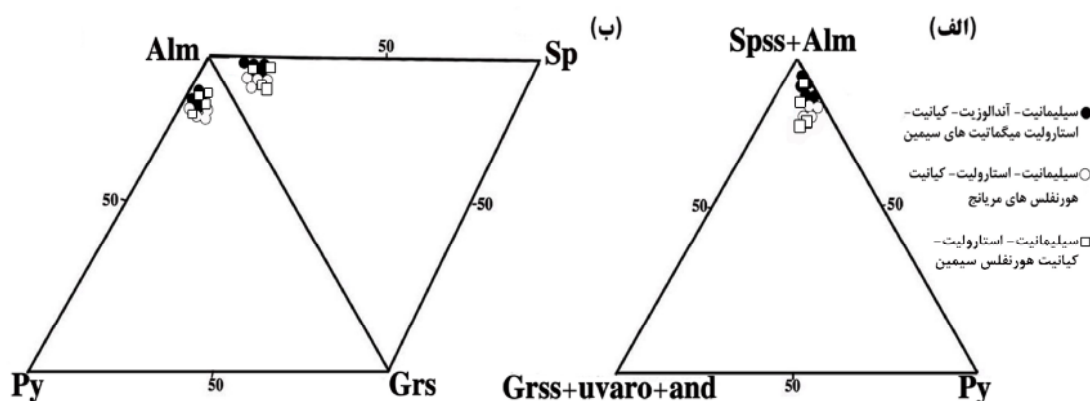
شکل ۴ تقسیم‌بندی بیوتیت‌های سیلیمانیت- آندالوزیت- کیانیت- استارولیت میگماتیت، سیلیمانیت- استارولیت- کیانیت هورنفلس منطقه سیمین و سیلیمانیت- استارولیت- کیانیت هورنفلس منطقه مریانج بر اساس ترکیب شیمیایی [۱۴].

همان‌گونه که نشان داده شده است دیده می‌شود که عناصر Mn و Ca از مرکز به سمت حاشیه کاهش می‌یابند، در حالی که عنصر Fe به سمت حاشیه افزایش می‌یابد و عنصر Mg در هورنفلس از مرکز به سمت حاشیه افزایش و در میگماتیت کاهش می‌یابد. این تغییرات را می‌توان به رشد چند مرحله‌ای کانی‌ها در این سنگ‌ها نسبت داد.

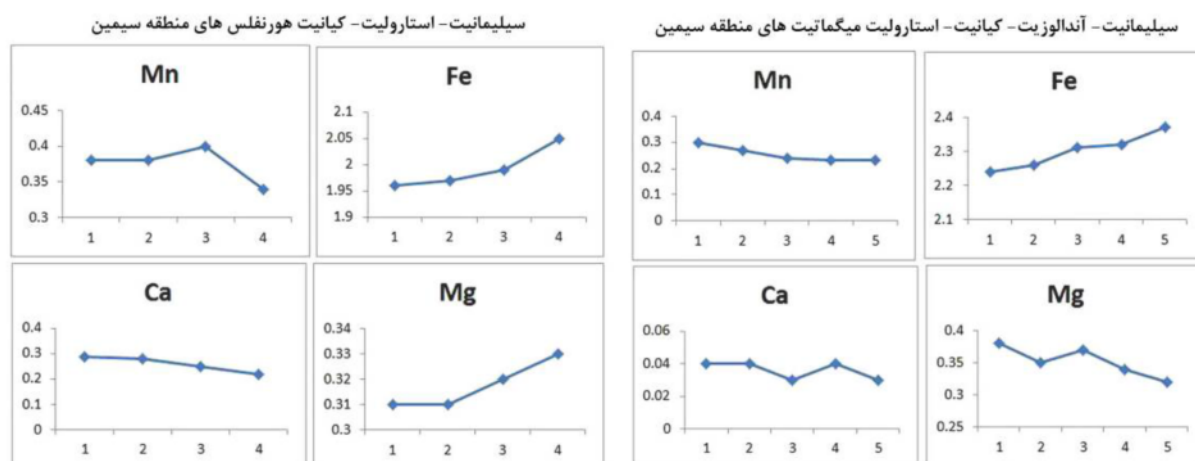
گارنت: به منظور بررسی ترکیب شیمیایی گارنت‌های موجود در سنگ‌های مورد بررسی، تعداد ۱۸ نقطه تجزیه شد (جدول ۲). بر پایه تجزیه‌های نقطه‌ای انجام شده بر گارنت‌های منطقه و تصویر کردن ترکیب آنها بر نمودار تقسیم‌بندی گارنت‌ها (شکل ۵)، ترکیب آنها بیشتر در قطب آلمان‌دین- اسپسارتین متمرکز است. در شکل ۶، ترکیب دو بلور گارنت در هورنفلس‌ها و میگماتیت‌های منطقه سیمین از مرکز به حاشیه بررسی شده

جدول ۲ نتایج تجزیه نقطه‌ای گارنت‌های منطقه و محاسبه مقدار کاتیون‌ها بر اساس ۱۲ اکسیژن.

نمونه	سیلیمانیت- استارولیت- کانی‌ت هورنفلس منطقه سیمین				سیلیمانیت- آندالوزیت- کانی‌ت- استارولیت میگماتیت منطقه سیمین					سیلیمانیت- استارولیت- کانی‌ت هورنفلس منطقه مریانج			
	۱(مرکز)	۲	۳	۴(حاشیه)	۱(مرکز)	۲	۳	۴	۵(حاشیه)	۱(مرکز)	۲	۳	۴(حاشیه)
SiO ₂	۳۷,۳۷	۳۷,۱۱	۳۶,۶۲	۳۶,۷۰	۳۶,۲۵	۳۶,۴۰	۳۶,۴۱	۳۶,۴۸	۳۶,۰۵	۳۵,۷۳	۳۵,۵۸	۳۵,۵۱	۳۵,۴۶
TiO ₂	۰,۱۰	۰,۰۷	۰,۱۴	۰,۰۹	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۵	۰,۰۶	۰,۰۸	۰,۰۰
Al ₂ O ₃	۲۱,۵۶	۲۱,۳۰	۲۱,۱۵	۲۱,۱۴	۲۱,۴۹	۲۱,۶۹	۲۱,۶۱	۲۱,۸۵	۲۲,۰۵	۲۱,۱۲	۲۱,۰۶	۲۱,۱۲	۲۰,۹۴
FeO	۲۹,۲۰	۲۹,۱۳	۲۹,۱۰	۲۹,۹۵	۳۲,۸۱	۳۳,۰۴	۳۳,۸۶	۳۴,۲۱	۳۴,۷۸	۲۹,۷۸	۳۱,۰۱	۳۳,۳۶	۳۴,۷۴
MnO	۵,۵۵	۵,۵۴	۵,۸۱	۴,۹۷	۴,۲۶	۳,۸۴	۳,۵۱	۳,۲۹	۳,۳۲	۹,۴۵	۷,۳۸	۴,۶۴	۳,۵۳
MgO	۲,۵۷	۲,۶۰	۲,۶۱	۲,۷۱	۳,۱۳	۲,۹۱	۳,۰۴	۲,۸۳	۲,۶۶	۱,۹۶	۲,۱۶	۲,۶۱	۲,۵۸
CaO	۳,۳۴	۳,۲۵	۲,۸۵	۲,۴۶	۰,۴۳	۰,۴۲	۰,۴۰	۰,۴۲	۰,۴۰	۰,۹۶	۱,۱۷	۱,۲۳	۱,۱۲
Na ₂ O	۰,۰۳	۰,۰۷	۰,۰۶	۰,۰۰	۰,۰۴	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۷	۰,۰۳	۰,۰۰	۰,۰۱
K ₂ O	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۳	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰
Total	۹۹,۷۲	۹۹,۰۸	۹۸,۳۵	۹۸,۰۲	۹۸,۴۴	۹۸,۳۴	۹۸,۸۷	۹۹,۱۱	۹۹,۲۹	۹۹,۱۲	۹۸,۴۵	۹۸,۵۵	۹۸,۳۸
مقدار کاتیون‌ها بر اساس ۱۲ اکسیژن													
Si	۳,۰۰	۳,۰۰	۲,۹۹	۳,۰۰	۲,۹۶	۲,۹۷	۲,۹۶	۲,۹۶	۲,۹۳	۲,۹۴	۲,۹۴	۲,۹۳	۲,۹۳
Ti	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰
Al	۲,۰۴	۲,۰۳	۲,۰۳	۲,۰۴	۲,۰۷	۲,۰۹	۲,۰۷	۲,۰۹	۲,۱۲	۲,۰۵	۲,۰۵	۲,۰۵	۲,۰۴
Fe	۱,۹۶	۱,۹۷	۱,۹۹	۲,۰۵	۲,۲۴	۲,۲۶	۲,۳۱	۲,۳۲	۲,۳۷	۲,۰۵	۲,۱۴	۲,۳۰	۲,۴۰
Mn	۰,۳۸	۰,۳۸	۰,۴۰	۰,۳۴	۰,۳۰	۰,۲۷	۰,۲۴	۰,۲۳	۰,۲۳	۰,۶۶	۰,۵۲	۰,۳۲	۰,۲۵
Mg	۰,۳۱	۰,۳۱	۰,۳۲	۰,۳۳	۰,۳۸	۰,۳۵	۰,۳۷	۰,۳۴	۰,۳۲	۰,۲۴	۰,۲۷	۰,۳۲	۰,۳۲
Ca	۰,۲۹	۰,۲۸	۰,۲۵	۰,۲۲	۰,۰۴	۰,۰۴	۰,۰۳	۰,۰۴	۰,۰۳	۰,۰۸	۰,۱۰	۰,۱۱	۰,۱۰
Na	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰
K	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰
Totals	۷,۹۸	۷,۹۹	۷,۹۹	۷,۹۸	۸,۰۰	۷,۹۸	۸,۰۰	۷,۹۹	۸,۰۱	۸,۰۴	۸,۰۳	۸,۰۴	۸,۰۵
Almandine	۰,۶۷	۰,۶۷	۰,۶۷	۰,۷۰	۰,۷۶	۰,۷۷	۰,۷۸	۰,۷۹	۰,۸۰	۰,۸۰	۰,۷۱	۰,۷۵	۰,۷۸
Pyrope	۰,۱۰	۰,۱۱	۰,۱۱	۰,۱۱	۰,۱۳	۰,۱۲	۰,۱۳	۰,۱۲	۰,۱۱	۰,۱۱	۰,۰۹	۰,۱۱	۰,۱۰
Spessartine	۰,۱۳	۰,۱۳	۰,۱۴	۰,۱۲	۰,۱۰	۰,۰۹	۰,۰۸	۰,۰۸	۰,۰۸	۰,۰۸	۰,۱۷	۰,۱۱	۰,۰۸
Grossular	۰,۱۰	۰,۱۰	۰,۰۸	۰,۰۷	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۳	۰,۰۴	۰,۰۳



شکل ۵ تقسیم‌بندی گارنت‌های سیلیمانیت- آندالوزیت- کانی‌ت- استارولیت میگماتیت های سیمین و سیلیمانیت- استارولیت- کانی‌ت هورنفلس های مریانج بر اساس ترکیب شیمیایی (Alm: آلمان‌دین، Sp: اسپسارتین، Grs: گراسولار، Py: پیروپ، uvaro: اوارویت، and: آندرادیت) [۱۴].



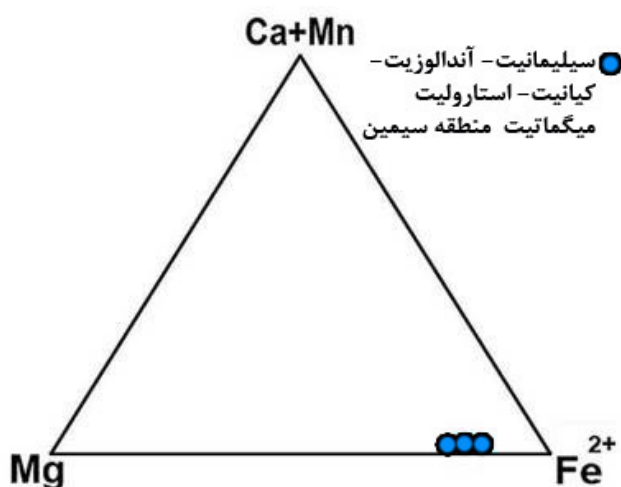
شکل ۶ تغییرات مرکز عناصر در ترکیب از مرکز به حاشیه در سیلیمانیت- آندالوزیت- کینایت- استارولیت میگماتیت و سیلیمانیت- استارولیت- کینایت هورنفلس های منطقه سیمین، نقاط ۱ تا ۵ به ترتیب نقاط تجزیه شده از کانی هستند، نقاط ۱ ترکیب مرکز گارنت و نقطه ۴ و ۵ ترکیب حاشیه گارنت هستند.

دست آمده از تجزیه نقطه‌ای نشان داد که استارولیت‌های منطقه دارای ترکیبی غنی از آهن هستند (شکل ۷).

استارولیت: به منظور بررسی ترکیب شیمیایی استارولیت موجود در سنگ‌های مورد بررسی، تعداد ۳ نقطه استارولیت، مورد تجزیه نقطه‌ای قرار گرفت (جدول ۳ الف). ترکیب به

جدول ۳ نتایج تجزیه نقطه ای الف) استارولیت‌ها و محاسبه مقدار کاتیون‌ها بر اساس ۴۸ اکسیژن و ب) پلاژیوکلازها و محاسبه مقدار کاتیون‌ها بر اساس ۸ اکسیژن.

(ب)				(الف)			
نمونه	سیلیمانیت- آندالوزیت- کینایت- استارولیت میگماتیت منطقه سیمین			نمونه	سیلیمانیت- آندالوزیت- کینایت- استارولیت میگماتیت منطقه سیمین		
نقاط آنالیز	۱	۲	۳	نقاط آنالیز	۱	۲	۱
SiO ₂	۵۶۳۴	۵۶۱۰	۵۵۴۶	SiO ₂	۲۷۷۹	۲۸۱۴	۲۷۴۶
TiO ₂	۰/۰۱	۰/۰۰	۰/۰۲	TiO ₂	۰/۰۴	۰/۳۶	۰/۳۶
Al ₂ O ₃	۲۷۰۹	۲۷۵۰	۲۷۲۸	Al ₂ O ₃	۵۳۸۷	۵۴۴۳	۵۴۵۴
FeO	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۰۰	FeO	۱۳۷۵	۱۳۶۲	۱۳۳۳
MnO	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	MnO	۰/۱۷	۰/۱۷	۰/۲۲
MgO	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	MgO	۱/۶۶	۱/۵۶	۱/۶۱
CaO	۹/۵۵	۹/۸۷	۹/۸۳	CaO	۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۰۰
Na ₂ O	۶/۸۸	۶/۴۷	۶/۵۸	Na ₂ O	۰/۱۱	۰/۰۱	۰/۰۹
K ₂ O	۰/۰۹	۰/۰۵	۰/۰۷	K ₂ O	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱
Total	۹۹/۹۹	۱۰۰/۰۱	۹۹/۲۵	Total	۹۷/۴۲	۰/۹۸/۳	۹۷/۶۲
مقدار کاتیون‌ها بر اساس ۸ اکسیژن				مقدار کاتیون‌ها بر اساس ۴۸ اکسیژن			
Si	۲/۵۳	۲/۵۲	۲/۵۱	Si	۸/۰۷	۸/۰۹	۷/۹۵
Ti	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	Ti	۰/۰۰	۰/۰۷	۰/۰۷
Al	۱/۴۳	۱/۴۵	۱/۴۶	Al	۱۸/۴۵	۱۸/۴۴	۱۸/۶۱
Fe	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	Fe	۳/۳۴	۳/۲۷	۳/۲۲
Mn	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	Mn	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۵
Mg	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	Mg	۰/۷۱	۰/۶۶	۰/۶۹
Ca	۰/۴۶	۰/۴۷	۰/۴۷	Ca	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
Na	۰/۶۰	۰/۵۶	۰/۵۷	Na	۰/۰۶	۰/۰۰	۰/۰۵
K	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	K	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
Total	۵/۰۴	۵/۰۲	۵/۰۴	Total	۳۰/۷۱	۳۰/۶۱	۳۰/۶۸



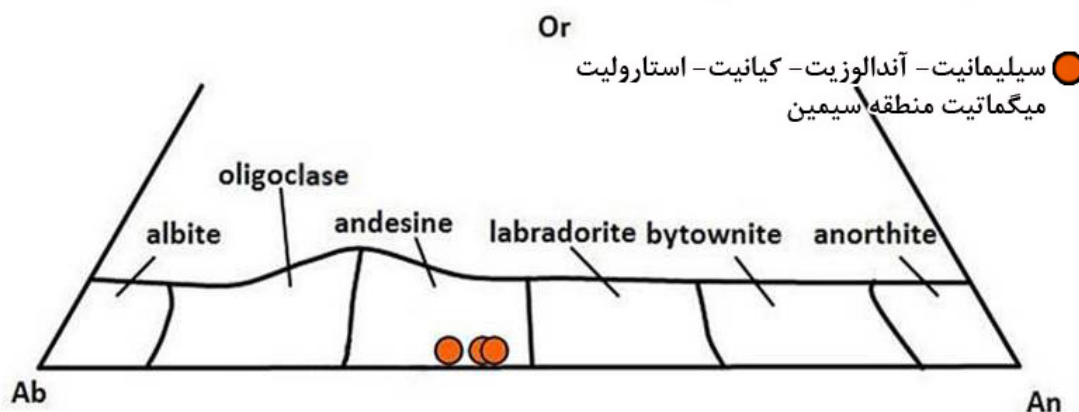
شکل ۷ تقسیم‌بندی استارولیت‌های سلیمانیت-آندالوزیت-کیانیت-استارولیت میگماتیت‌های منطقه سیمین بر حسب ترکیب شیمیایی.

فلدسپارها: به منظور بررسی ترکیب شیمیایی فلدسپارهای موجود در سنگ‌های مورد بررسی، تعداد ۳ نقطه پلاژیوکلاز، مورد تجزیه نقطه‌ای قرار گرفت (جدول ۳ ب) ترکیب به دست آمده از تجزیه نقطه‌ای پلاژیوکلاز، بر اساس نمودار تقسیم‌بندی پلاژیوکلازها [۱۴] در محدوده‌ی آندزین قرار دارد (شکل ۸).

دما - فشارسنجی

روش‌های دماسنجی و فشارسنجی را تنها زمانی می‌توان به کار برد که بافت کانی‌ها در سنگ و روابط کنارزایی بین کانی‌های موجود در سنگ به خوبی مشخص باشند و به علاوه بتوان نشان داد که مجموعه کانی‌های سنگ مورد بررسی در حالت غیرتعادلی نیستند، بنابر این در انتخاب کانی‌ها به عنوان کنارزا باید شرایط تعادل وجود داشته باشد [۱۶، ۱۵]. در این پژوهش از دما-فشارسنجی کاتیونی استفاده شد. به این منظور از

ترکیب حاشیه کانی‌های در حال تعادل استفاده شد. یکی از این روش‌ها برای تعیین دما، استفاده از روش تبادل کاتیونی بین گارنت و بیوتیت است. برای این منظور از ترکیب شیمیایی حاشیه بیوتیت‌های اولیه موجود در زمینه سنگ که در نزدیکی گارنت قرار دارند استفاده شد. روش‌های استفاده شده برای دما- فشارسنجی در این پژوهش عبارتند از: (۱) دماسنجی با استفاده از تک‌کانی بیوتیت، (۲) دماسنجی با استفاده از تبادل کاتیونی بین جفت کانی‌ها مانند زوج کانی گارنت- بیوتیت (متداول‌ترین زمین دماسنج) و (۳) فشارسنجی با استفاده از واکنش‌های انتقالی محض (مانند تعادل ترمودینامیکی کانی- های گارنت - پلاژیوکلاز - بیوتیت - کوارتز (سامانه GPBQ) و تعادل ترمودینامیکی کانی‌های گارنت - پلاژیوکلاز - آلومینوسیلیکات-کوارتز (سامانه GPAQ).



شکل ۸. تقسیم‌بندی پلاژ یوکلا؛ های سلیمانیت- آندالوزیت- کیانیت- استارولیت میگماتیت های منطقه سیمین بر اساس ترکیب شیمیایی، [۱۴].

دماسنجی با استفاده از تک کانی بیوتیت

کانی بیوتیت از میزبان‌های مهم Ti در سنگ‌های دگرگونی محسوب می‌شود. جایگزینی این عنصر در ساختار بیوتیت ارتباط مستقیمی با دما دارد [۱۸، ۱۷]. در این روش برای اندازه‌گیری دما از دماسنج بیوتیت بر پایه Ti و Mg موجود در ساختار این کانی در فشار ۴ تا ۶ کیلو بار و از معادله

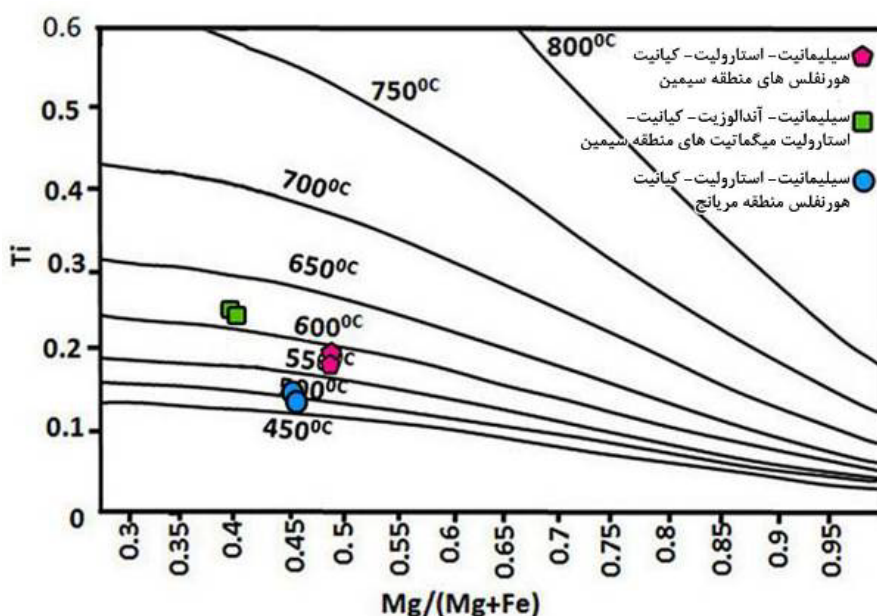
$$T = \{[\ln(Ti) - a - c(X_{Mg})^3]/b\}^{0.333} \quad (1)$$

استفاده شد. در این معادله T دما بر حسب درجه سانتی‌گراد است که با استفاده از مقدار Ti و X_{Mg} کانی بیوتیت و ضرایب

ثابت a، b و c محاسبه می‌شود، بر این اساس و با توجه به داده‌های حاصل از تجزیه بلورهای بیوتیت، بیوتیت‌های موجود در میگماتیت‌ها و هورنفلس‌های دره سیمین به ترتیب میانگین دمایی در حدود ۶۳۳ و ۵۸۷ درجه سانتی‌گراد و بیوتیت‌های موجود در هورنفلس‌های مریانج، دمای ۴۸۳ درجه سانتی‌گراد را نشان می‌دهند (جدول ۴) و نتایج دماسنجی با استفاده از مقدار Ti نسبت به $Mg/(Mg+Fe)$ برای این سنگ‌ها در شکل ۹ تصویر شده است.

جدول ۴ نتایج دماسنجی با استفاده از تک کانی بیوتیت برای سنگ‌های دگرگونی مناطق سیمین و مریانج.

سیلیمانیت- استارولیت- کیانیت هورنفلس منطقه سیمین			
	X _{Mg}	Ti	T(°C)
Biotite ۱	۰.۴۹۵	۰.۱۹۵	۵۸۶
Biotite ۲	۰.۴۹۵	۰.۱۹۸	۵۸۹
سیلیمانیت- آندالوزیت- کیانیت- استارولیت میگماتیت منطقه سیمین			
Biotite ۱	۰.۳۹۸	۰.۲۸۳	۶۳۶
Biotite ۲	۰.۳۹۹	۰.۲۹۱	۶۲۹
سیلیمانیت- استارولیت- کیانیت هورنفلس منطقه مریانج			
Biotite ۱	۰.۴۵۷	۰.۱۳۱	۴۷۰
Biotite ۲	۰.۴۶۹	۰.۱۴۱	۴۹۶



شکل ۹ نتایج دماسنجی بیوتیت سنگ‌های دگرگونی مناطق سیمین و مریانج.

دماسنجی به روش گارنت- بیوتیت

محاسبات دماسنجی گارنت - بیوتیت بر اساس تجزیه بیوتیت‌ها و گارنت‌های هم زیست در دو نمونه هورنفلس و میگماتیت انجام شده است [۵، ۱۹-۲۶]. با فرض انتشار سریع کاتیونی و رسیدن به تعادل بین حاشیه کانی و زمینه، از قسمت حاشیه‌ای گارنت و بیوتیت برای دماسنجی استفاده شد. در این نمونه کوارتز، ارتوکلاز، پلاژیوکلاز، گارنت و بیوتیت به عنوان کانی‌های اصلی در نظر گرفته شده‌اند. برای محاسبه دما با این روش، فشار حداکثر ۳/۸ کیلو بار منظور شد. بر اساس دماسنج تبدیلی گارنت- بیوتیت، میانگین دمای هورنفلس‌های منطقه مریانج با استفاده از واسنجی‌های مختلف در حدود ۵۲۴ درجه سانتی- گراد و میانگین دمای میگماتیت‌ها و هورنفلس‌های سیمین به ترتیب در حدود ۶۱۸ و ۵۸۰ درجه سانتی‌گراد (جدول ۵) محاسبه شد.

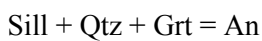
فشارسنجی با استفاده از تعادل ترمودینامیکی (GPBQ)

مجموعه کانی‌های گارنت، پلاژیوکلاز، بیوتیت مسکویت و

کوارتز در طیف وسیعی از درجات دگرگونی، از پهنه گارنت تا سیلیمانیت پایین در سنگ‌های دگرگونی تشکیل می‌شوند. در این روش، فشار با استفاده از مجموعه کانی‌های فشارسنج GPBQ محاسبه می‌شود [۲۷، ۲۸]. فشار با این روش برای میگماتیت‌های منطقه سیمین در گستره ۳/۸۵ تا ۳/۸۸ کیلو بار به دست آمده است (جدول ۶).

فشارسنجی با استفاده از تعادل ترمودینامیکی (GASP)

واکنش زیر که براساس فشارسنجی GASP است به طور گسترده‌ای برای سنگ‌های رخساره آمفیبولیت و گرانولیت به رفته است [۲۱، ۲۹-۳۲].



برای این زمین فشارسنج، ۹ نوع واسنجی متفاوت وجود دارد. از این سامانه، برای برآورد فشار در میگماتیت‌های گارنت‌دار استفاده شد. فشار با این روش برای میگماتیت‌های منطقه سیمین ۴/۱ کیلو بار محاسبه شد (جدول ۷).

جدول ۵ داده‌های دماسنجی برپایه تبادل کاتیونی گارنت- بیوتیت هورنفلس‌ها و میگماتیت‌های منطقه با استفاده از واسنجی‌های مختلف در فشار ۳/۸ Kbar (بر حسب درجه سانتی‌گراد).

واسنجی‌های مختلف	سیلیمانیت- آندالوزیت- کیانیت- استارولیت میگماتیت منطقه سیمین	سیلیمانیت- استارولیت- کیانیت هورنفلس منطقه سیمین
Ln Kd (Gt - Bi)	۱/۶	۱/۸
Thompson, 76	۶۲۷	۵۶۷
Holdway & Lee, 77	۶۰۹	۵۵۷
Lavrenteva & Perchuk, 81	۶۲۴	۵۸۱
Hodges & Spear, 82	۶۳۰	۵۷۷
Pigage & Greenwood	۶۷۰	۶۵۲
Perchuk & Lavrenteva, 83-1	۶۲۸	۵۵۸
Perchuk & Lavrenteva, 83-2	۶۲۰	۵۷۷
Perchuk & Lavrenteva, 83-3	۶۰۳	۵۶۱
Ganguly & Saxena, 84-1	۶۲۳	۵۵۴
Perchuk et al., 85	۶۰۱	۵۹۰
Indares & Martignole, 85-2	۵۴۲	۵۵۸
williams & Garmbling, 90	۶۸۹	۶۵۲
Bathacharya et al., 92-1	۵۶۹	۵۳۲
میانگین	۶۱۹	۵۸۰

واسنجی‌های مختلف	سیلیمانیت- استارولیت- کیانیت هورنفلس منطقه مریانج
Ln Kd (Gt - Bi)	۱/۹
Thompson, 76	۵۴۷
Goldman & Albee, 77-1	۴۹۶
Goldman & Albee, 77-2	۴۷۵
Holdway & Lee, 77	۵۳۹
Ferry & Spear, 78	۵۲۲
Hodges & Spear, 82	۵۳۵
Perchuk & Lavrenteva, 83-3	۵۴۷
Ganguly & Saxena, 84-1	۵۲۹
Ganguly & Saxena, 84-2	۵۲۱
Perchuk et al., 85	۵۵۶
Indares & Martignole, 85-1	۴۹۴
Indares & Martignole, 85-2	۵۱۰
Dasgupta et al., 91	۴۸۴
Bathacharya et al., 92-1	۵۲۱
Bathacharya et al., 92-2	۴۸۹
میانگین	۵۱۸

جدول ۶ فشار اندازه گیری شده میگماتیت های منطقه سیمین (بر حسب بار) توسط سامانه GPBQ در دمای ۵۵۰ درجه سانتی گراد [۲۸].

واسنجی ها	سیلیمانیت- آندالوزیت- کیانیت- استارولیت میگماتیت منطقه سیمین	
Hoisch, 1990-Mg	۳۹۲۴	۳۹۴۸
Hoisch, 1990-Fe	۳۷۸۸	۳۸۱۱
میانگین	۳۸۵۶	۳۸۸۰

جدول ۷ فشار اندازه گیری شده میگماتیت های منطقه سیمین، (بر حسب بار) توسط سامانه GASP در دمای ۵۵۰ درجه سانتی گراد، بر اساس واسنجی های مختلف.

واسنجی های مختلف	سیلیمانیت- آندالوزیت- کیانیت- استارولیت میگماتیت منطقه سیمین
Newton & Haselton, 81-Sill	۳۸۸۲
Newton & Haselton, 81-And	۳۹۲۰
Newton & Haselton, 81-Ky	۴۰۴۱
Hodges & Spear, 82-Sill	۳۶۶۵
Hodges & Spear, 82-And	۳۶۸۸
Hodges & Spear, 82-Ky	۳۸۶۴
Ganguly & Saxena, 84-Sill	۳۶۴۳
Ganguly & Saxena, 84-And	۳۶۶۵
Ganguly & Saxena, 84-Ky	۳۸۴۶
Hodges & Crowley, 85-Sill	۴۱۰۱
Hodges & Crowley, 85-Sill (DV)	۴۱۳۱
Hodges & Crowley, 85-And	۴۳۶۹
Hodges & Crowley, 85-And (DV)	۴۴۰۳
Hodges & Crowley, 85-Ky	۴۳۶۳
Hodges & Crowley, 85-Ky (DV)	۴۳۸۹
Koziol, 89-Sill	۴۸۳۸
Koziol, 89-Sill	۴۳۰۸
Koziol, 89-Ky	۴۸۸۷
Koziol & Newton 88-Ky	۴۹۴۷
Koziol & Newton 88-Sill	۴۷۴۶
میانگین	۴۱۸۵

بحث

سنگ های دگرگونی مجاورتی که شامل انواع شیست های لکه-دار و هورنفلس ها هستند در اطراف توده نفوذی الوند قرار دارند. این سنگ ها در نتیجه تأثیر گرمایی نفوذ توده های بازی و اسیدی بر سنگ های قدیمی تر به وجود آمده اند. در منطقه مورد بررسی، دگرگونی مجاورتی بر دگرگونی ناحیه ای منطبق است، زیرا توده های نفوذی پس از دگرگونی ناحیه ای به منطقه تزریق شده اند. شیست ها دور از همبری مجموعه ژرف توده های الوند دیده می شوند و با نزدیک شدن به توده نفوذی، پولک های میکا درشت تر می شوند و شیست وارگی متوسط تا ضعیف را نشان

می دهند. این فرآیند نشان می دهد که هم دگرگونی ناحیه ای و هم مجاورتی بر این نشست ها مؤثر بوده است. سیر دگرگونی شیست های لکه دار به هورنفلس های آندالوزیت دار از حاشیه هاله دگرگونی به طرف ژرف توده به خوبی قابل مشاهده است. گاهی کیانیت در متن هورنفلس ها دیده می شود. یکی از ویژگی های مهم این سنگ ها ارتباط تنگاتنگ آن ها با رگه های کوارتز- کیانیت داری است که آن ها را قطع کرده اند.

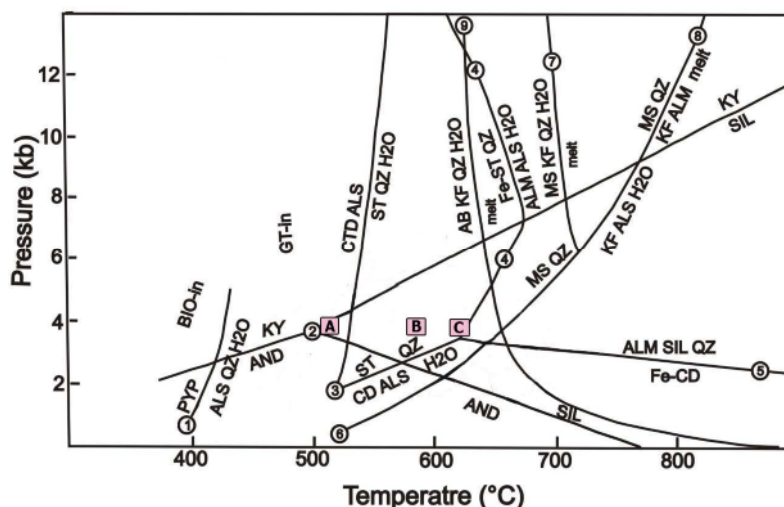
علاوه بر شیست ها و هورنفلس ها، در برخی نقاط در منطقه همدان سنگ های میگماتیتهی رخنمون دارند. حجم اصلی

میگماتیت‌های منطقه همدان را از نظر درجه ذوب‌بخشی، می‌توان در حد متاتکسیت دانست. این سنگ‌ها دارای بافت لایه‌ای هستند؛ به طوری که رگه‌های نئوسوم (لوکوسوم و ملانوسوم) نسبتاً باریک در بین لایه‌های ضخیم‌تر پالئوسوم (مزوسوم) پراکنده هستند [۱۲]. در مورد شکل‌گیری این میگماتیت‌ها اختلاف نظر وجود دارد، برخی آنها را ناحیه‌ای (برای مثال [۷]) و برخی مجاورتی (از جمله [۱۲]) دانسته‌اند و هدف ما در اینجا رد یا اثبات این نظریات نیست. البته به نظر می‌رسد که دمای محیط دگرگونی چه دما در نزدیکی توده‌های مافیک تا فلسی منطقه و چه در نتیجه گرمای دگرگونی ناحیه-ای پیش از تزریق توده‌ها به درجه ذوب‌بخشی سنگ‌ها رسیده است. به نظر می‌رسد که حضور کیانیت‌ها مربوط به بعد از اوج دگرگونی به ویژه در مناطق برشی باشد [۹]. حضور کیانیت‌های قدیمی در هاله مجاورتی توسط [۶] گزارش شده است، این کیانیت‌ها را از جمله در منطقه مریانج می‌توان دید. این کیانیت‌ها باقی مانده دگرگونی دینامیکی-گرمایی محسوب می‌شوند و مؤید این نکته هستند که پهنه کیانیت در دگرگونی دینامیکی-گرمایی سپس تحت تأثیر دگرگونی مجاورتی قرار گرفته است.

تبلور و تحول کانی‌های دگرگونی در ارتباط با رژیم گرمایی پوسته زمین در زمان تشکیل آن‌هاست. گاهی هر سه نوع بلور آلومینوسیلیکات (یعنی آندالوزیت، سیلیمانیت (فیبرولیت) و کیانیت) در سنگ‌های دگرگونی همزمان با استارولیت دیده می‌شوند. با توجه به اینکه نقطه سه‌گانه پایداری این کانی‌ها دمایی حدود ۵۰۰ درجه سانتی‌گراد دارد و کمینه دمای تشکیل استارولیت حدود ۵۲۰ درجه سانتی‌گراد است، همه کانی‌های نام‌برده همزمان با استارولیت تشکیل نشده‌اند. از آنجایی که رشد همزمان سه‌تایی یا دوتایی آلومینوسیلیکات‌ها در مقاطع نازک دیده نمی‌شود، می‌توان گفت که آلومینوسیلیکات‌ها در رخدادهای دگرگونی مختلف شکل گرفته‌اند. دگرگونی‌های چندریختی آلومینوسیلیکات‌ها نیازمند بازسازی کامل ساختار آلومینوسیلیکات‌هاست. از آنجاکه واکنش‌های جامد-جامد با تغییرات انرژی آزاد کمی همراه هستند، حضور بقایای نیمه پایدار یک چندریخت در منطقه پایداری یک چند ریخت دیگر امری بسیار متداول است. بنابراین هر سه چندریخت آلومینوسیلیکات را اغلب می‌توان با

هم در یک مکان معین و یا حتی در یک نمونه دستی یا مقطع نازک مشاهده کرد. وفور آندالوزیت، کردیریت، سیلیمانیت و استارولیت در دگرگونی ناحیه‌ای دینامیکی-گرمایی قدیمی‌تر نشان‌دهنده رخداد یک دگرگونی کم فشار و دمای بالا در منطقه است که البته فشار آن از دگرگونی نوع آبوکوما بیشتر اما از دگرگونی نوع باروین کمتر بوده و بسیار شبیه دگرگونی نوع بوچان است. پیشتر نیز برخی از پژوهشگران [۱۲۶] به رشد چند مرحله‌ای بعضی از بلورهای آندالوزیت اشاره نموده‌اند. با توجه به بررسی‌های دما-فشارسنجی، فشار حاکم بر دگرگونی ناحیه‌ای دینامیکی-گرمایی همزمان با تزریق توده‌های گرانیتی به بیش از ۴ کیلو بار نیز رسیده است [۶]. ژرف توده‌هایی که در منطقه رخنمون دارند هم‌زمان و پس از دگرگونی ناحیه‌ای دینامیکی-گرمایی جایگزین شده‌اند. با توجه به مطالب گفته شده در مورد شرایط تشکیل کانی‌ها، مجموعه کانی‌های کنارزا در سنگ‌های مختلف بر شبکه سنگ‌زایی در شکل ۱۰ نمایش داده شده است [۳۳-۳۷].

در واقع کیانیت در میگماتیت‌ها به صورت نیمه پایدار (meta stable) تشکیل شده است و در تعادل کامل با سایر فازهای آلومینوسیلیکات نیست و به طور پراکنده در پهنه‌هایی در گستره‌ی میگماتیتی که گمان می‌رود پهنه‌های برشی باشند یافت می‌شود. در این سنگ‌ها به سختی می‌توان بخش‌های نئوسوم (لوکوسوم و ملانوسوم) و پالئوسوم (مزوسوم) را متمایز کرد. در واقع در میگماتیت‌های مورد بررسی دما-فشارسنجی بخش‌های لوکوسوم و ملانوسوم به دلیل عدم گسترش کافی آنها دشوار است و در نتیجه دما-فشارسنجی مزوسوم بر پایه‌ی کانی‌های موجود در آن بوده است که دما-فشارسنجی مزوسوم دماهای اندکی پایین‌تر از میگماتیت‌زایی را نشان می‌دهد و دماهای بدست آمده کمی از حد قابل انتظار برای ملانوسوم یا لوکوسوم پایین‌تر است. در واقع نتایج موید این است که کیانیت یک مجموعه در تعادل با کانی‌های سنگ مورد بررسی نیست و در حالت نیمه پایدار در کنار آنها قرار گرفته است. با توجه به نتایج دما-فشارسنجی‌های انجام شده و قرار گرفتن دما-فشار تشکیل سنگ‌های مورد بررسی در گستره چندریخت‌های گرمایی آلومینوسیلیکات (سیلیمانیت)، کیانیت موجود در سنگ‌ها در تعادل ترمودینامیکی با کانی‌های همراه خود نبوده است.



شکل ۱۰ شرایط دما و فشار تشکیل کانی‌های کنارزا در سنگ‌های منطقه مورد بررسی در شبکه سنگ‌زایی رسوبات ورقه‌ای دگرگون شده که در آن-ها فشار کل برابر با فشار آب است (به استثنای منحنی ۸). علائم اختصاری از مرجع [۳۳]: ۱ = [۳۴]; ۲ = [۳۵]; ۳ = گستره‌های دما-فشار پایین استارولیت آهن‌دار + کوارتز از مرجع [۳۳]: ۴ = [۳۳]; ۵ = [۳۵]; ۶ = [۱۴]; ۷ و ۸ = [۳۷]، توجه شود که منحنی شماره ۸ مربوط به شرایط خشک (بدون آب) است. ۹ = [۳۳]. نقاط A و B و C موقعیت میانگین فشار و دمای بدست آمده برای نمونه‌های مورد بررسی را نشان می‌دهد. A: سیلیمانیت-استارولیت-کیانیت هورنفلس منطقه مریانج، B: سیلیمانیت-استارولیت-کیانیت هورنفلس منطقه سیمین، C: سیلیمانیت-آندالوزیت-کیانیت-استارولیت میگماتیت منطقه سیمین.

برداشت

محاسبه شد. در نهایت فشار به دست آمده برای میگماتیت‌های منطقه در فشارسنجی با سامانه GPBQ، در حدود ۳/۸ کیلوبار و در فشارسنجی با استفاده از تعادل ترمودینامیکی (GPAQ یا GASP)، در حدود ۴/۱ کیلو بار محاسبه شد. با توجه به قرار گرفتن دما-فشار تشکیل سنگ‌های مورد بررسی در گستره چندریختی‌های گرمایی آلومینوسیلیکات (سیلیمانیت)، کیانیت موجود در سنگ‌ها در تعادل ترمودینامیکی با کانی‌های همراه خود نبوده است.

مراجع

- [1] Powell R., "Equilibrium Thermodynamics in Petrology, An Introduction", Harper & Row, London (1978).
- [2] Ferry J. M., Spear F. S., "Experimental calibration of the partitioning of Fe and Mg between biotite and garnet. Contrib", Contributions to Mineralogy and Petrology (1978) 66, 113-117.
- [3] Spear F. S., "Metamorphic phase equilibria and pressure-temperature time paths", Mineralogical Society of America. Monograph (1992).

شرایط دما-فشار تشکیل هورنفلس‌ها و میگماتیت‌های کیانیت‌دار منطقه همدان بر پایه‌ی شیمی کانی‌ها برآورد شد که بر این اساس ترکیب شیمیایی گارنت‌های منطقه در قطب اسپسارتین-آلماندین، ترکیب بیوتیت‌های منطقه در محدوده‌ی سیدروفیلیت و ترکیب پلاژیوکلازهای منطقه در محدوده‌ی آندزین جای گرفتند و استارولیت‌های منطقه دارای ترکیبی غنی از آهن هستند. برای به دست آوردن دمای منطقه از دو روش دماسنجی استفاده شد: ۱- دماسنجی با استفاده از تک-کانی بیوتیت: که در این روش، بیوتیت‌های موجود در میگماتیت‌ها و هورنفلس‌های کیانیت‌دار دره سیمین به ترتیب میانگین دمایی در حدود ۶۳۳ و ۵۸۷ درجه سانتی‌گراد و بیوتیت‌های موجود در هورنفلس‌های کیانیت‌دار مریانج، دمای ۴۸۳ درجه سانتی‌گراد را نشان دادند و ۲- دماسنجی به روش تبادل کاتیونی زوج کانی گارنت - بیوتیت که به این ترتیب با استفاده از واسنجی‌های مختلف، میانگین دمای هورنفلس‌های کیانیت‌دار منطقه مریانج در حدود ۵۲۴ درجه سانتی‌گراد و میانگین دمای میگماتیت‌ها و هورنفلس‌های کیانیت‌دار دره سیمین به ترتیب در حدود ۶۱۸ و ۵۸۰ درجه سانتی‌گراد

- sapphirine-bearing granulites from the Gruf Complex, Italian Central Alps", *Journal of Petrology* (1984) 25, 766-803.
- [17] Henry D.J., Guidotti, C.V., "Titanium in biotite from metapelitic rocks: Temperature effects, crystal-chemical controls, and petrologic applications", *American Mineralogist* (2002) 87 375-382.
- [18] Henry D.J., Guidotti C.V., Thomson J.A., "The Ti-saturation surface for low-to-medium pressure metapelitic biotites: implications for geothermometry and Ti substitution mechanisms implications for geothermometry and Ti-substitution mechanisms", *American Mineralogist* (2005) 90, 316-328.
- [19] Thompson A. B., "Mineral reaction in olitic rocks: I Prediction in P - T - X (Fe-Mg) phase relations. II. Calculations of some P - T - X (Fe-Mg) phase relations", *American Journal of Science* (1976) 276, 401-454.
- [20] Goldman D. S. Y., Albee A.L., "Correlation of Mg/Fe partitioning between garnet and biotite with $^{18}\text{O}/^{16}\text{O}$ partitioning between quartz and magnetite", *American Journal of Science* (1977) 277, 750-767.
- [21] Hodges K. V. Y., Spear F. S., "Geothermometry, geobarometry and the Al_2SiO_5 triple point at Mt. Moosilauke, New Hampshire", *American Mineralogist* (1982) 67, 1118-1134.
- [22] Perchuk L. L. Y., Larent'eva I. V., "Experimental investigation of exchange equilibria in the system cordierite-garnet-biotite. In: S.K. Saxena (Ed) *Kinetics and Equilibrium in Mineral Reactions*", *Advances in Physical Geochemistry* (1983) 3, 199-239.
- [23] Ganguly J., Saxena S. K., "Mixing properties of aluminosilicate gamets: constraints from natural and experimental data, and applicationst o geothermo-barometry", *American Mineralogist* (1984) 69, 88-97.
- [24] Perchuk L. L., Aranovich L. Ya., Podlesskii K. K., Lavrenteva I. V., "Precambrian granulites of the Alden Shield, eastern Siberia USSR", *Journal Metamorphic Geology*, (1985) 3, 265-310.
- [25] Indares A. Y., Martignole J., "Biotite-garnet geothermometry in granulite facies: the influence of Ti and Al in biotite", *American Mineralogist* (1985) 70, 272-278.
- [4] Ghent E. D., Stout M. Z., "Geobarometry and Geothermometry of plagioclase-biotitegarnet-muscovite assemblages", *Contributions to Mineralalogy and Petrology* (1981) 76, 92-97.
- [5] Bhattacharya A., Mazumdar A. C., Sen S. K., "Fe-Mg mixing in cordierite: constraints from natural data and implication for cordierite-garnet geothermometry in granulites", *American Mineralogist* (1992) 73, 338-344.
- [6] Sepahi A. A., Whitney D. L., Baharifar A. A., "Petrogenesis of andalusite- kyanite- silimanite veins and host rocks, Sanandaj- Sirjan metamorphic belt", *Journal of Metamorphic Geology* (2004) 22, 119- 134.
- [7] Baharifar A. A., "Petrology of metamorphic rocks of the Hamedan region", Ph. D. Thesis, Tarbiat-Moallem University (2004), 218 P.
- [8] Sepahi A. A., Cavosie A., "Isotope thermometry of quartz-aluminosilicate veins of Hamedan area using oxygen stable isotopes", *Iranian Journal of Crystallography and Mineralogy* (2005) 13, 245-258.
- [9] Molaee-Yeganeh T., "The study of controlling factor of distribution of kyanite in metamorphic and plutonic rocks of the Hamedan region", M. Sc. Thesis, Bu-Ali Sina University (2008), 148 P.
- [10] Saki A., moazzen m., Oberhansli R., "Mineral chemistry and thermobarometry of the staurolite-chloritoid schists from Poshtuk, NW Iran", *Journal of Geological Magazine* (2012) 6, 1077 - 1088.
- [11] Mohajjel M., Sahandi M., "Evolution of northwest of Sanandaj-sirjan zone and introduction of new sub-zones", *Geosciences Quarterly* (1999) 16, 31-32.
- [12] Sepahi A. A., "Petrology of Alvand plutonic complex with special reference to granitoids" Ph. D. Thesis, Tarbiat-Moallem University (1999), 325 P.
- [13] Kretz R., "Metamorphic crystallization", John Wiley & Sons (1994) 507 p.
- [14] Deer W. A., Howie R. A., Zussman J., "An Introduction to the Rock Forming Minerals", Longman, London (1992).
- [15] Dale J., Holland T. J. B., "Geothermobarometry, P - T paths and metamorphic field gradients of high- P rock from the Adula Nappe, Central Alps", *Journal of Metamorphic Geology* (2003) 21, 813-829.
- [16] Droop G.T.R., Bucher-Nurminen K., "Reaction textures and metamorphic evolution of

- equilibrium experiments*", Contributions to Mineralogy and Petrology (1989) 103, 423-433.
- [32] Koziol A. M. Y., Newton R. C., "Redetermination of the anorthite breakdown reaction and improvement of the plagioclase-garnet- Al_2SiO_5 -quartz geobarometer", American Mineralogist (1988) 73, 216-223.
- [33] Yardly B.W.D., "An introduction to metamorphic petrology", Longman (1991) 248 p.
- [34] Kerrick D.M., Spear J.A., "The role of minor element solid solution on the andalusite-silimanite equilibrium in metapelites and peraluminous granulites", American Journal of Science (1988) 288, 152-192.
- [35] Holdaway M.J., "Stability of andalusite and the aluminum silicate phase diagram", American Journal of Science (1971) 271, 881-892.
- [36] Ganguly J., "Chloritoid stability and related parageneses: theory experiments and applications", American Journal of Science (1996) 267, 910-944.
- [37] Thompson A.B., "Calc-silicate diffusion zones between marble and pelitic schist", Journal of Petrology (1975) 16, 314-346.
- [26] Dasgupta S., Sengupta P., Guha D., Fukuoka M., "A refined garnet-biotite Fe-Mg exchange geothermometer and its application in amphibolites and granulites", Contributions to Mineralogy and Petrology (1991) 109, 130-137.
- [27] Reche J., Martinez Francisco J., "An Excel spreadsheet for thermobarometric calculations in metapelitic rocks", Computers & Geosciences (1996) 22, 775-784.
- [28] Hoisch T. D., "Equilibria within the mineral assemblage quartz + muscovite + biotite + garnet + plagioclase, and implications for the mixing properties of octahedrally-coordinated cations in muscovite and biotite", Contributions to Mineralogy and Petrology 108 (1990) 43-54.
- [29] Newton R. C. Y., Haselton H.T., "Thermodynamics of the garnet-plagioclase- Al_2SiO_5 -quartz geobarometer. In: R.C. Newton A. Navrotsky, and B. J. Wood (Eds) "Thermodynamics of Minerals and Melts". Advances in Physical Geochemistry (1981) 1, 129-145.
- [30] Hodges K. V. y., Crowley P. D., "Error estimation and empirical geothermobarometry for pelitic systems", American Mineralogist (1985) 70, 702-709.
- [31] Koziol A. M., Newton R. C., "Grossular activity-composition relationships in ternary garnets determined by reversed displaced-